



۱۳۸۷ / ۳ / ۲

۹۵۴۴۱



دانشگاه الزهرا

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

رساله جهت اخذ درجه دکتری (PhD)

رشته: تاریخ ایران

عنوان:

دگرگونی قشربندی اجتماعی ایران از اصلاحات  
خسروانوشیروان ساسانی تا پایان دوران امویان

استاد راهنما:

دکتر حسین مفتخری

۱۳۸۷ / ۲ / ۲

استادان مشاور:

دکتر علی رجبلو

دکتر فاطمه جان احمدی



دانشجو:

شهرزاد ساسان‌پور

اسفند ۱۳۸۶

۹۵۶۶۱

تقدیم:

به روح برادره مرتضی که همچون پرستویی نابهنگام پرکشید و

ما را در سوگ ابدی خود گذاشت.

## سیاس نامه

به شکر یزدان، اندیشه‌هایی که در این رساله تدوین شده است،  
مدیون راهنماییهای دکتر مسین مفتخری و مشاوره‌های دکتر  
علی رجب‌لو و دکتر فاطمه جان‌امدی، اندیشمندان با ممتنی  
است که با تجارب تخصصیشان مرا حمایت کردند.

تشکر از همه کسانی که در پیچ و خم‌های این رساله مرا تنها  
نگذاشتند و یاری‌ام نمودند: خانواده‌ام، همسر.

سیاس از عزیزان محترمی که در محضر استادی‌شان شاگردی  
کردم و زحمت دآوری این رساله را تقبل نمودند و با  
راهنمایی‌های به جای خود مرا در تعالی هرچه بیشتر این پژوهش  
یاری کردند: دکتر محمدتقی امامی، دکتر علیمحمد ولوی، دکتر  
علی بیگدلی و دکتر شهلا بفتیاری.

### چکیده

رساله حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که ماهیت نظام قشربندی اجتماعی در ایران از اواخر عهد ساسانی تا پایان حکومت امویان به چه صورت بود و چه عواملی در تداوم و تغییر آن نقش داشتند؟ برای پاسخ به این پرسش، با استفاده از دیدگاه ماکس وبر در مورد قشربندی اجتماعی و دیدگاههای تدا اسکاچپول، چالمرزجانسون، چارلز تیلی و رابرت تدگار در باره‌ی دگرگونی اجتماعی، نظریه‌ای ترکیبی و ابداعی تدوین و به عنوان چارچوب نظری مبنای پژوهش قرار گرفت. با بهره‌گیری از این نظریه‌ی ترکیبی فرضیه تحقیق به صورت زیر تنظیم شد:

اصلاحات خسرو انوشیروان و ورود اسلام به ایران نقش اساسی در تکوین، تداوم و تغییر ساختار قشربندی اجتماعی داشته‌اند.

برای آزمون فرضیه داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از منابع و مآخذ موجود با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی و با روش تطبیقی-تاریخی جمع‌آوری گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده در قالب هفت فصل سازماندهی شد و این نتایج بدست آمد:

نظام قشربندی اجتماعی ایران در دوره ساسانی به نظام کاستی شباهت داشت. اقشار اجتماعی بر اساس دو معیار خون (نژاده/غیرنژاده) و مالکیت (غنی/فقیر) به صورت سلسله‌مراتبی و در قالب سه قشر بالا، متوسط و پایین از یکدیگر متمایز می‌شدند. قشر بالا شامل روحانیت، اشراف، دهقانان، آزادان و دیوران بود؛ قشر متوسط از بازرگانان و پیشه‌وران تشکیل می‌شد و قشر پایین، کشاورزان و دامداران را در بر می‌گرفت. اصلاحات انوشیروان ساختار اساسی نظام قشربندی را تحکیم بخشید و تنها به تغییر در سلسله مراتب درون قشر بالا منجر شد؛ به این صورت که اسواران، آزادان و دهقانان از مراتب پایین‌تر به مراتب بالاتر تغییر مکان دادند.

اما بعد از اسلام ماهیت قشربندی در اثر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر کرد و به نظام رسته‌ای نزدیکتر شد. در نظام جدید دو معیار دین (مسلمان/غیرمسلمان) و نسب (عرب/غیرعرب) مبنای تمایز اقشار از یکدیگر به شمار می‌رفت. بر این اساس، موقعیت خاندان‌های اشرافی کهن و موبدان زرتشتی تضعیف شد. اشرافیت عرب مسلمان در سلسله مراتب بالای اجتماعی قرار گرفتند؛ بخش وسیعی از اقشار اجتماعی پیشین تحت عنوان موالی و اهل ذمه در قالب نیروهای اجتماعی جدید مطرح گشتند.

کلید واژه‌ها: ساسانیان، امویان، قشربندی اجتماعی، نظام رسته‌ای، نظام کاستی

## فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱: مقدمه ..... ۱
- ۲-۱: طرح مسئله و بیان سؤالات پژوهش ..... ۳
- ۳-۱: اهداف و اهمیت پژوهش ..... ۵
- ۴-۱: سؤال اصلی پژوهش ..... ۶
- ۵-۱: سؤالات فرعی پژوهش ..... ۶
- ۶-۱: چهارچوب تئوریک ..... ۷
- ۷-۱: فرضیه اصلی پژوهش ..... ۱۱
- ۸-۱: فرضیات فرعی پژوهش ..... ۱۱
- ۹-۱: مروری بر پیشینه پژوهش ..... ۱۴
- ۱۰-۱: روش پژوهش ..... ۱۶
- ۱۱-۱: بررسی منابع ..... ۲۵

## فصل دوم: مفاهیم و نظریات پژوهش

- ۱-۲: مفاهیم پژوهش ..... ۴۸
- ۱-۱-۲: ساخت اقتصادی ..... ۴۸
- ۲-۱-۲: ساخت سیاسی ..... ۴۹
- ۳-۱-۲: ساخت فرهنگی - اجتماعی ..... ۴۹
- ۴-۱-۲: تغییر: بررسی ماهیت تغییر ..... ۵۰
- ۵-۱-۲: تغییرات اجتماعی ..... ۵۰
- ۶-۱-۲: قشر ..... ۵۲
- ۷-۱-۲: قشربندی ..... ۵۲
- ۸-۱-۲: قشربندی اجتماعی ..... ۵۳
- ۹-۱-۲: اقشار اجتماعی ..... ۵۶
- ۲-۲: رویکردهای نظری به تغییرات اجتماعی، قشر بندی اجتماعی و اقشار اجتماعی ..... ۵۸
- ۱-۲-۲: جایگاه تحلیل های مارکسیستی در بررسی و تحول دگرگونی اجتماعی ..... ۵۸

- ۲-۲-۲: جایگاه تحلیل های نظریه نئومارکسیت ها در ارزیابی تحول اجتماعی و نظام قشربندی. ۶۰
- ۳-۲-۲: رویکردهای جامعه شناسی تاریخی به مناسبات تغییر و دگرگونی اجتماعی و قشربندی ..... ۶۲
- ۱-۳-۲-۲: نظریه اسکاچپول ..... ۶۲
- ۲-۳-۲-۲: نظریه چارلز تیلی. .... ۶۳
- ۳-۳-۲-۲: نظریه رابرت تدگار. .... ۶۵
- ۴-۳-۲-۲: نظریه چالمرز جانسون ..... ۶۶
- ۴-۲-۲: نظریات جامعه شناسی اقشار وبر ..... ۶۷
- ۱-۴-۲-۲: اقتصاد (دارائی، مالکیت) ..... ۶۸
- ۲-۴-۲-۲: سیاست (قدرت) ..... ۶۸
- ۳-۴-۲-۲: منزلت اجتماعی (ستاتو، شأن اجتماعی) ..... ۶۹
- ۵-۲-۲: رویکردهای جدید قشر بندی اجتماعی ..... ۷۳
- ۱-۵-۲-۲: نظریه ستیز اجتماعی ..... ۷۳
- ۲-۵-۲-۲: نظریه کارکرد گرایان ..... ۷۴
- ۳-۵-۲-۲: نظریه ترکیب گرایان ..... ۷۵

#### فصل سوم: تغییرات اجتماعی از اصلاحات انوشیروان تا انقراض ساسانیان

- ۱-۳: عنصر اصلی تغییر در عصر انوشیروان ساسانی تا انقراض ساسانیان ..... ۷۷
- ۲-۳: نقش قیامها، شورشها و حرکت های درونی در تغییر ساختار اجتماعی عصر ساسانی. .... ۸۱
- ۳-۳: نقش قیامها، شورشها و حرکت های بیرونی در تغییر ساختار اجتماعی عصر ساسانی. .... ۹۰
- ۴-۳: ارتباط تحولات اجتماعی عصر ساسانی با تحولات در حوزه سیاسی و حکومتی آن عصر. ۹۷
- ۵-۳: عکس العمل حکومت ساسانی در برابر تغییرات اجتماعی. .... ۱۰۱
- ۶-۳: چالش ها و منازعات درون حکومت ساسانی و تأثیر آن بر تغییرات اجتماعی. .... ۱۰۳
- ۷-۳: سلسله مراتب تغییرات اجتماعی و نقش آن در ساختار اجتماعی عصر ساسانی. .... ۱۰۴
- ۸-۳: شکل گیری نیروهای جدید اجتماعی و سهم آنان در ایجاد چالش با حکومت ساسانی. .... ۱۰۶
- ۹-۳: نقش نیروهای جدید اجتماعی در ایجاد تغییرات اجتماعی عصر ساسانی. .... ۱۱۲

فصل چهارم: نظام قشربندی و شکل گیری اقشار اجتماعی از اصلاحات انوشیروان ساسانی تا انقراض ساسانیان

- ۱-۴: نقش حکومت و ساز و کارهای اصلاحی انوشیروان در رابطه با وضعیت معیشت و عرصه عمومی مردم تا انقراض ساسانیان. .... ۱۱۵
- ۲-۴: ویژگی های عنصر مالکیت دولتی و مردمی. .... ۱۲۰
- ۳-۴: رابطه متقابل مردم و حکومت. .... ۱۲۳
- ۴-۴: سیاستهای تنبیهی و تشویقی مردم و اقشار اجتماعی. .... ۱۲۹
- ۵-۴: نقش ارزشها و هنجارهای اجتماعی در شکل گیری قشربندی اجتماعی. .... ۱۳۰
- ۶-۴: نقش استمرار و ثبات و تداوم ارزشها و هنجارها یا بی ثباتی و عدم تداوم آنها در قشر بندی اجتماعی. .... ۱۳۸
- ۷-۴: سیر تحول نظام قشربندی. .... ۱۴۱
- ۸-۴: ارتباط نظام قشربندی اجتماعی با سازمانها و نهادهای حکومتی، اقتصادی، فرهنگی و.... ۱۵۰
- ۹-۴: بررسی عناصر اعتبار، حیثیت و منزلت اقشار اجتماعی. .... ۱۵۳
- ۱۰-۴: بررسی جنبه های مثبت و منفی ارتباط ارزشی و هنجاری اقشار اجتماعی. .... ۱۶۳
- ۱۱-۴: نوع شناسی اقشار اجتماعی. .... ۱۶۶
- ۱۲-۴: ویژگیهای درونی اقشار اجتماعی. .... ۱۹۵
- فصل پنجم: تغییرات اجتماعی در ایران از آغاز عصر اسلامی تا انقراض امویان.
- ۱-۵: عنصر اصلی تغییر در ایران از آغاز عصر اسلامی تا انقراض امویان. .... ۲۰۷
- ۲-۵: نقش قیامها، شورشها و حرکتهای درونی در تغییر ساختار اجتماعی. .... ۲۱۴
- ۳-۵: نقش قیامها، شورشها و حرکتهای بیرونی در تغییر ساختار اجتماعی. .... ۲۵۰
- ۴-۵: ارتباط تحولات اجتماعی ایران در آغاز عصر اسلامی با تحولات حوزه سیاسی و حکومتی تا انقراض امویان. .... ۲۵۴
- ۵-۵: عکس العمل حکام عصر اسلامی ایران در برابر تغییرات اجتماعی. .... ۲۶۱
- ۶-۵: چالش ها و منازعات درونی حکام عصر اسلامی ایران تا پایان امویان و تأثیر آن بر تغییرات اجتماعی. .... ۲۶۵
- ۷-۵: سلسله مراتب تغییرات اجتماعی و نقش آن در ساختار اجتماعی. .... ۲۶۹
- ۸-۵: شکل گیری نیروهای جدید اجتماعی و سهم آنان در ایجاد چالش با حکام عصر اسلامی ۲۷۴



- ۹-۵: نقش نیروهای جدید اجتماعی در ایجاد تغییرات اجتماعی . ..... ۲۸۱
- فصل ششم: نظام قشر بندی و شکل گیری اقشار اجتماعی در ایران در آغاز عصر اسلامی  
تا انقراض امویان
- ۶-۱: نقش حکام عصر اسلامی ایران و سازوکارهای اصلاحی آنان در رابطه با وضعیت معیشت و  
عرصه عمومی مردم. .... ۲۸۵
- ۶-۲: ویژگی های عنصر مالکیت دولتی و مردمی . ..... ۲۹۳
- ۶-۳: رابطه متقابل مردم و حکومت . ..... ۳۰۲
- ۶-۴: سیاستهای تنبیهی و تشویقی حکام مسلمان ایران در برابر مردم و اقشار اجتماعی..... ۳۰۷
- ۶-۵: نقش ارزشها و هنجارهای اجتماعی در شکل گیری قشر بندی اجتماعی . ..... ۳۱۵
- ۶-۶: نقش استمرار و ثبات و تداوم ارزشها و هنجارها یا بی ثباتی و عدم تداوم آنها در قشر بندی  
اجتماعی..... ۳۱۸
- ۶-۷: سیر تحول نظام قشر بندی . ..... ۳۲۰
- ۶-۸: ارتباط نظام قشر بندی اجتماعی با سازمانها و نهادهای حکومتی، اقتصادی، فرهنگی و... ۳۲۷
- ۶-۹: بررسی عناصر اعتبار، حیثیت و منزلت اقشار اجتماعی. .... ۳۳۶
- ۶-۱۰: بررسی جنبه های مثبت و منفی ارتباط ارزشی و هنجاری اقشار اجتماعی. .... ۳۹۱
- ۶-۱۱: نوع شناسی اقشار اجتماعی . ..... ۳۹۵
- ۶-۱۲: ویژگی های درونی اقشار اجتماعی . ..... ۴۱۵
- فصل هفتم: مقایسه تطبیقی - تاریخی تغییرات اجتماعی و نظام قشر بندی و اقشار اجتماعی  
عصر انوشیروان تا انقراض ساسانیان با آغاز عصر اسلامی ایران تا انقراض امویان
- ۷-۱: مقایسه تطبیقی تاریخی تغییرات اجتماعی در دوره مورد نظر. .... ۴۳۲
- ۷-۱-۱: مقایسه عنصر اصلی تغییر در دوره مورد نظر..... ۴۳۲
- ۷-۱-۲: مقایسه نقش قیامها، شورشها و حرکتهای درونی دوران مورد نظر در تغییر ساختار  
اجتماعی ایران. .... ۴۳۳
- ۷-۱-۳: مقایسه نقش قیامها، شورشها و حرکتهای بیرونی دوران مورد نظر در تغییر ساختار  
اجتماعی ایران. .... ۴۳۴

- ۴۳۵-۱-۷: مقایسه ارتباط تحولات اجتماعی با تحولات حوزه سیاسی و حکومتی دوران مورد نظر.
- ۴۳۶-۱-۷: مقایسه تطبیقی تاریخی عکس العمل حکومت و حکام دوران مورد نظر در برابر تغییرات اجتماعی. ....
- ۴۳۸-۱-۷: مقایسه چالش ها و منازعات درون حکومت و تأثیر آن بر تغییرات اجتماعی در دوران مورد نظر. ....
- ۴۴۰-۱-۷: مقایسه مراتب تغییرات اجتماعی و نقش آن در ساختار اجتماعی ایران در دوران مورد نظر. ....
- ۴۴۱-۱-۷: مقایسه شکل گیری نیروهای جدید اجتماعی و سهم آنان در ایجاد چالش با حکومت در دوران مورد نظر. ....
- ۴۴۲-۱-۷: مقایسه نقش نیروهای جدید اجتماعی در ایجاد تغییرات اجتماعی ایران در دوران مورد نظر. ....
- ۴۴۴-۲-۷: مقایسه تطبیقی-تاریخی نظام قشر بندی و اقشار اجتماعی در دوره مورد نظر. ....
- ۴۴۴-۱-۲-۷: مقایسه حکومت و ساز و کارهای آن در رابطه با وضعیت اقتصادی و عمومی مردم در دوران مورد نظر. ....
- ۴۴۶-۲-۲-۷: بررسی تطبیقی عنصر مالکیت دولتی و مردمی در عصر مورد نظر. ....
- ۴۴۷-۳-۲-۷: مقایسه تطبیقی رابطه متقابل مردم و حکومت در دوران مورد نظر. ....
- ۴۴۸-۴-۲-۷: مقایسه تطبیقی سیاستهای تنبیهی و تشویقی اقشار اجتماعی در دوران مورد نظر. ....
- ۴۴۹-۵-۲-۷: مقایسه نقش ارزشها و هنجارهای اجتماعی در شکل گیری قشر بندی اجتماعی در عصر مورد نظر. ....
- ۴۵۱-۶-۲-۷: بررسی تطبیقی نقش استمرار و ثبات و تداوم ارزشها و هنجارها یا بی ثباتی و عدم تداوم آن ها در قشر بندی دوران مورد نظر. ....
- ۴۵۲-۷-۲-۷: مقایسه تطبیقی سیر تحول نظام قشر بندی در ایران دوران مورد نظر. ....
- ۴۵۳-۸-۲-۷: مقایسه ارتباط میان نظام قشر بندی اجتماعی با سازمانها و نهادهای حقوقی، اقتصادی، فرهنگی... در دوران مورد نظر. ....
- ۴۵۴-۹-۲-۷: بررسی تطبیقی عناصر اعتبار، حیثیت و منزلت اقشار اجتماعی در عصر مورد نظر. ....

۱۰-۲-۷: بررسی تطبیقی جنبه های مثبت و منفی ارتباط ارزشی و هنجاری اقشار اجتماعی در دوران مورد نظر. ....	۴۵۸
۱۱-۲-۷: مقایسه تطبیقی نوع شناسی اقشار اجتماعی در ایران در عصر مورد نظر. ....	۴۵۹
۱۲-۲-۷: مقایسه ویژگی های درونی اقشار اجتماعی در ایران در دوران مورد نظر. ....	۴۶۲
نتیجه گیری .....	۴۶۵
منابع و مأخذ .....	

# فصل اول

## کلیات پژوهش

ورود دین اسلام به ایران از بزرگترین وقایع تاریخی کشور ما بشمار می‌رود که نه تنها منجر به جدائی تاریخ ایران باستان از دوران جدید آن شد، بلکه در بنیانها و ساختارهای سیاسی و اجتماعی - فرهنگی آن تحولات عمیقی به جای گذارد. نفوذ دین اسلام در ایران و پذیرش آن از سوی ایرانیان تنها به معنای پذیرش یک دین جدید نبود، بلکه به منزله پذیرفتن نوع جدیدی از سبک زندگی و نوع معیشت، بود. با سقوط شاهنشاهی ساسانی و بدنبال فروریزی ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه ایران بتدریج نهادهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... نیز دچار دگرگونی شد. تغییرات اجتماعی ناشی از ورود دین اسلام بر ساختار اجتماعی و نظام قشربندی ایران نیز تأثیرگذار. در رساله حاضر تلاش بر آن است تا تأثیر ورود دین اسلام را بر ساختار اجتماعی ایران به معنای اخص آن مورد بررسی قرار دهیم. به عبارتی تأثیر ورود دین اسلام بر قشربندی اجتماعی ایران محور اساسی رساله حاضر می‌باشد. لذا برای بررسی این موضوع و یافتن سرمنشأهای آن ابتدا می‌بایستی قشربندی اجتماعی اواخر عصر ساسانی را مورد بررسی قرار داده، سپس تأثیر ورود دین اسلام را در قشربندی اجتماعی ایران مورد مطالعه قرار دهیم. از آنجائی که بحث رساله حاضر در محدوده مباحث جامعه‌شناسی تاریخی است، دو مقوله اساسی موردنظر آن تغییرات اجتماعی، نظام قشربندی و سلسله مراتب اقشار اجتماعی است، لذا مقطع مورد نظر برای بررسی این موضوع دوران سلطنت خسروانوشیروان است که بدنبال اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خود تغییرات اجتماعی را در بخشی از نظام قشربندی اجتماعی ایران ایجاد نمود. پس از آن ورود اسلام که یکی بزرگترین تحولات تاریخی ایران بشمار می‌رود، برنظام قشربندی ایران تأثیر گذارد. با وجود اهمیت این موضوع اما دگرگونی قشربندی اجتماعی و علل و عوامل آن در این مرحله گذار آنچنان که شایسته است مورد بررسی قرار نگرفته، لذا برای بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تغییرات اجتماعی و نظام قشربندی و همچنین عوامل تداوم و تغییر قشربندی اجتماعی ایران و ... ابتدا مباحث مربوط به تغییرات اجتماعی و نظام قشربندی را بصورت جداگانه از عصر انوشیروان تا سقوط ساسانیان و سپس از ورود اعراب

مسلمان به ایران تا سقوط امویان مورد بررسی قرار داده و سپس در یک مقایسه تطبیقی به بررسی تشابهات و تفاوت‌های عوامل مؤثر در ایجاد تغییرات اجتماعی و نظام قشر بندی ایران عصر ساسانی و بعد از اسلام خواهیم پرداخت و در پایان به این نکته دست خواهیم یافت که چه ملاک‌ها و معیارهایی در ایجاد قشر بندی اجتماعی عصر ساسانی و دوران اموی دخالت داشتند و عوامل تداوم و یا تغییر قشر بندی ایران پس از اسلام چه بود.

قشربندی اجتماعی در هر جامعه‌ای ناظر بر نابرابریهای ساختارمند و سلسله مراتبی آن جامعه می‌باشد، که این نابرابریها و گروهبندی‌های ناشی از آن مبنای برخورداری یا محرومیت گروههای اجتماعی از مزایای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌باشد. در حقیقت نابرابریهای اجتماعی، عامل فقر و غنی جامعه محسوب می‌شوند. از این رو نابرابریهای موجود در جامعه در زندگی فردی و اجتماعی انسانها نقش مهمی ایفاء می‌کنند. تشدید نابرابریها در بسیاری از جوامع موجبات بروز تحولات و تغییرات اجتماعی را فراهم می‌آورد. چه بسیار شورشها و طغیانها و حتی انقلابهای بزرگ اجتماعی که علت بروز آنها وجود نابرابریها و تبعیضات اجتماعی بوده‌اند. وجود نابرابریهای «نهاده شده» جوامع در قشربندی اجتماعی آن جوامع انعکاس می‌یابد. لذا بررسی قشربندی اجتماعی می‌تواند زمینه‌ها و علل بروز برخی از تحولات مهم اجتماعی را برملا سازد. از این رو بسیاری از محققان، سیاستمداران، جامعه‌شناسان و... در تلاش برای زدودن نابرابریهای اجتماعی بخصوص فقر، از جوامع بوده و راه حل آن را در تعدیل قشر بندی اجتماعی دانسته‌اند.

بنیان‌های قشربندی اجتماعی ایران در اسطوره‌ها بر پایه سه قشر اجتماعی یعنی روحانیون، جنگاوران و گله‌داران بوده است.<sup>۱</sup> که در عصر ساسانی بر پایه دو ساخت سیاسی - دینی و اقتصادی تمرکز یافته بود. دو عنصر خون و مالکیت ارکان اصلی جامعه ساسانی بود. بر اساس منابعی مانند کتیبه اردشیر بابکان در نقش رجب، کارنامه اردشیر بابکان، نامه تنسره به گشنسب و ... اقشار اجتماعی عصر ساسانی<sup>۲</sup> در دو قالب گروه حکومت‌گر و گروه غیرحاکم عبارت بودند از: خاندان شاهی، شاهزادگان، خاندان‌های اشرافی کهن (شهرداران، واسپوهران، وزیران، آزادان، دهقانان)، روحانیان، نظامیان، دبیران و دیوانیان که در سلسله مراتب قدرت و حکومت حضور داشتند و بازرگانان، صنعتگران و پیشه‌وران شهری و کشاورزان، دامداران و توده مردم که گروه غیرحاکم را تشکیل می‌دادند.<sup>۳</sup> هر کدام از اقشار اجتماعی رؤسای داشتند که زمینه ارتباط آنها با بالاترین مقام‌های حکومت را برقرار می‌کردند. روحانیون از طریق مؤید مؤیدان، نظامیان بوسیله ارتشتاران سالار، دیوانیان توسط ایزان دبیرد، کشاورزان و

۱- یستا، (۱۳۴۰). ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداود. تهران: ابن سینا. چاپ دوم. (یستا ۱۹، هات ۱۷)

۲- یستا، (۱۳۸۰) تالیف و تفسیر ابراهیم پورداود. تهران: اساطیر. بخش دوم، صص ۱۶۶-۱۷۰؛ گزیده سرودهای ریگ ودا.

(۱۳۴۸). ترجمه محمد رضا جلالی. تهران: تابان. جلد اول. ص ۱۸۳

کله داران از طریق واستریوشان سالار و اصناف نیز با حمایت «هتخشان بد» به اقشار حکومت گر پیوند می خوردند.

ورود اسلام به ایران، یکی از نقاط مهم تاریخ ایران به شمار می رود. با وجود قضاوت‌های ارزشی متفاوت، اهمیت این حادثه در تاریخ ایران انکار ناپذیر است. چرا که ورود اسلام تأثیرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گسترده ای را در ایران به جای گذاشت و علیرغم اینکه ایران به مدت چند سده، استقلال سیاسی خود را از دست داد، اما بخشی از قشربندی اجتماعی ایران دچار تحول شد و جامعه ایران به دوران جدید از دو بعد سیاسی - اقتصادی و اجتماعی وارد شد با این وجود اثرات این حادثه مهم در بُعد اجتماعی کمتر مورد تدقیق قرار گرفته است. نفوذ دین اسلام در ایران و پذیرش آن از سوی ایرانیان به هر نحو تنها پذیرش یک دین جدید نبود بلکه شروع نوع جدیدی از نحوه زندگی و معیشت بود. عناصری مانند از هم پاشیده شدن نظام امپراتوری کهن و یکپارچه ایران، تسلط زبان و حکومتگران غیر ایرانی، تنوع و شتاب تغییرات پیاپی حکومتگران، تجزیه سرزمین وسیع ایران به حکومت های کوچک ملوک الطوایفی، ناپایداری مالکیت ارضی، تشدید اختلافات مذاهب جدید و قدیم، افزایش فقر و تشدید نابرابریهای اجتماعی، از میان رفتن هویت نظام اجتماعی، سیطره زندگی قبایلی و حکومت های قومی، از بین رفتن دیوانیان متمکن، نفی مرکزیت اقتصادی ایران، ظهور صاحبان شمشیر، تضعیف سنتها و اخلاقیات تاریخی ایرانیان، تمرکز قدرت سیاسی بر پایه قدرت نظامی و ایجاد نوعی رابطه دوری بین استبداد و امنیت و هرچ و مرج تحولات عمیق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را در ایران بوجود آورد.

در کنار گسترش سریع دین اسلام، مالیاتهای گذشته (دوره ساسانی) جای خود را به خراج، صدقه، زکات و... داد. قوانین قضائی و حقوق اسلام جایگزین قوانین زرتشتی شد. سازمان اصناف دگرگون شد و مشاغلی مانند خوک بانی، می فروشی و... از بین رفت و از سوی دیگر نظام قشربندی عصر ساسانی مبتنی بر (امتيازات خاندانها) و مالکیت های بزرگ که عامل اصلی جدائی از توده مردم بود درهم شکست. عنصر نسب و نژاد که در نزد ساسانیان ملاک اصلی قشربندی اجتماعی بود موقتا (تا پایان خلافت خلفای راشدین) اهمیت خود را از دست داد، چرا که از نظر دین اسلام ملاک برتری انسانها، تقوا است. این دگرگونی سرانجام در توزیع قدرت، ثروت و مالکیت و اعتبار اجتماعی ایرانیان بروز نمود. قشرهای اجتماعی بعد از اسلام به دو گروه حاکم و غیر حاکم تقسیم می شدند که گروه حاکم شامل اقشار ممتاز و خاندانهای حاکم، نظامیان، دیوانیان، روحانیون و گروه غیرحاکم شامل بازرگانان، صنعتگران، پیشه وران، کشاورزان، دامداران، و توده مردم بود.



به این ترتیب تحولی در قشر بندی اجتماعی ایران رخ داد که مستلزم تحلیل است. از نظر علمی قشر بندی محصول مشترک افتراق و ارزیابی است که بر پایه چهار فرآیند افتراق، طبقه بندی، ارزیابی و پاداش دهی قرار دارد.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر تحول در قشر بندی از طریق این چهار فرآیند و بصورت مقایسه تطبیقی فهم می شود. بر این اساس مسئله کلیدی پژوهش حاضر این است که ورود اسلام به ایران در بنیان ها و فرآیند قشر بندی اجتماعی ایران چه اثراتی به جای گذاشت؟ ورود اسلام به ایران در توزیع ثروت، چه دگرگونی ایجاد کرد؟ نحوه برخورداری افراد و گروه های اجتماعی از امتیازات اقتصادی، اجتماعی و ... چگونه دچار تغییر شد؟ معضلات جدید در ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران چه پیوندی با ورود اسلام در ایران داشت؟

### ۱-۳- اهداف و اهمیت پژوهش

تعداد آثار و پژوهشهایی که در ایران به مباحث تاریخ اجتماعی پرداخته اند بسیار محدود است و هنوز در این مورد جای بحث و بررسی بسیار وجود دارد که نیازمند توجه جدی پژوهشگران و محققان تاریخ ایران می باشد. مسئله دیگر آنکه بررسی مسائل و معضلات جوامع معاصر و امروزی، بدون مراجعه به تاریخ آنها راهگشا نخواهد بود. چون پاره ای از موضوعات، ریشه های تاریخی دارند که تا مشخص نشدن آنها، مواجهه و مقابله با آنها و حل چنین مشکلاتی میسر نخواهد شد، لذا لازم است از طریق مطالعات میان رشته ای و با بهره گیری از روشهای پژوهشی و نظریه های رایج در جامعه شناسی تاریخی، پرتوی جدید بر مسائل و موضوعات تاریخی افکند تا گوشه ای از ابهامات و تاریکی ها روشن گردد. خاصه در چارچوب افتراق پایگاههای اجتماعی، طبقه بندی سلسله مراتبی پایگاههای اجتماعی، ارزشیابی پایگاههای اجتماعی و پاداشدهی به پایگاههای اجتماعی عصر مزبور کار شایسته ای صورت نگرفته است.

ارزیابی نابرابری ها و قشر بندی اجتماعی در هر جامعه نیازمند بررسی دقیق و همه جانبه ساختهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک آن جامعه می باشد. مطالعات و بررسی

۱- ملوین، تامین. (۱۳۸۱). جامعه شناسی قشر بندی و نابرابریهای اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: نشر نو. مقدمه،

هائی که در طول زمان انجام می‌شود تاثیر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیک و ... را بر روی یک پدیده به خوبی نشان می‌دهد.

در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تا تحولات ایجاد شده در قشربندی اجتماعی ایران بعد از اسلام (تا پایان عهد امویان) با استناد به متغیرهای مستقل مورد نظر (ساخت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی) بررسی شود و تداوم و تحول قشربندی اجتماعی ایران در مقاطع مورد نظر نیز مورد توجه قرار گیرد. بررسی این موضوع علاوه بر نمایان کردن سر منشأهای قشربندی در ایران، تفاوتها و تشابه های قشربندی هر دوره را مشخص خواهد کرد. در نهایت روشن خواهد شد که قشربندی اجتماعی ایران در دوره های مورد نظر چگونه دگرگون شده است؟ و لایه بندی های اجتماعی دچار چه تحولی شده‌اند؟ و یا اینکه جای چه لایه بندی‌هایی با یکدیگر عوض شده است؟ چه لایه‌هایی جایگزین یکدیگر شده‌اند؟ کدامیک از بین رفته‌اند؟ و کدامیک بوجود آمده‌اند. مهمتر اینکه این تغییرات تحت تاثیر چه عواملی صورت گرفته‌اند و چه متغیرهایی منجر به تداوم، تغییر و دگرگونی قشربندی اجتماعی دوران مورد نظر شده‌اند. چنین رویکردی به نتایج زیر منجر خواهد شد.

۱- گسترش مطالعات ایران شناسی از منظر تاریخ اجتماعی به عنوان مطالعات بین رشته‌ای.

۲- ایجاد الگوی مطالعاتی در زمینه مسائل اجتماعی ایران که می‌تواند زمینه ساز سایر مطالعات باشد.

۳- راهگشایی برای مطالعات بین رشته‌ای از قبیل اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی در بستر تاریخی ایران.

#### ۱-۴- سوال اصلی پژوهش

ماهیت قشربندی اجتماعی ایران قبل و بعد از اسلام (از اصلاحات خسرو انوشیروان ساسانی تا پایان دوران امویان) به چه صورت بود و چه عواملی در تغییر و تداوم آن نقش ایفا کردند؟

#### ۱-۵- سئوالات فرعی

۱- اصلاحات خسرو انوشیروان ساسانی چه تاثیری در قشربندی اجتماعی ایران برجای نهاد؟

۲- ساخت سیاسی ایران از ورود اسلام تا پایان دوران امویان چه نقشی در تداوم و یا تغییر قشربندی اجتماعی ایران داشت؟

۳- ساخت اقتصادی ایران از ورود اسلام تا پایان دوره امویان چه نقشی در تداوم و یا تغییر قشربندی اجتماعی ایران داشت .

۴- ساخت فرهنگی - اجتماعی ایران از ورود اسلام تا پایان دوران امویان چه نقشی در تداوم و یا تغییر قشربندی اجتماعی ایران داشت؟

#### ۱-۶- چهارچوب نظری

جامعه شناسان فراگیرترین تقسیم بندی پیرامون جامعه و اجتماع را تحت عنوان قشربندی اجتماعی مطرح کرده اند. از دیدگاه آنان عوامل گوناگونی در ایجاد نابرابریها و قشربندی اجتماعی دخیل هستند که در مجموع عبارتند از. تقسیم کار، تضاد اجتماعی، مالکیت خصوصی (سه عامل مورد توجه کارل مارکس) و نابرابری حیثیت اجتماعی (عامل مورد توجه ماکس وبر).

در واقع مارکس عامل ایجاد نابرابریهای اجتماعی را در معیارهای اقتصادی و شیوه تولید کالا بویژه کنترل یا عدم کنترل وسایل تولید می دانست و نمود آن را در جامعه در ایجاد طبقه می دید، مهمترین طبقات در جامعه از نظر مارکس دو طبقه بهره کش (بورژوا) و بهره ده (پرولتاریا) است، وی رابطه این طبقات را رابطه ای بهره کشی می داند و معتقد است این طبقات با یکدیگر در تعارضند و در نتیجه از نظر مارکس تعریف طبقات از نبرد طبقاتی جدا نیست.

مهمترین منتقد مارکس در این زمینه ماکس وبر است. وی در ایجاد نابرابری های اجتماعی علاوه بر اقتصاد (ثروت) و سیاست (قدرت) ، شان اجتماعی (منزلت یا اعتبار اجتماعی) را دخیل دانسته است و علاوه بر طبقه به گروههای منزلتی بعنوان نمود دیگری از قشربندی اجتماعی توجه کرده است. در حقیقت مارکس در ایجاد قشربندی اجتماعی تنها به یک بُعد یعنی مناسبات و شیوه تولید اقتصادی توجه کرده است اما علاوه بر آن داشتن یا نداشتن قدرت سیاسی، مهارتهای فردی و ... عامل ایجاد نابرابریهای اجتماعی است. از جمله مواردی که وبر در این زمینه به آن توجه کرده است، دیوانسالاران (بعنوان گروهی از صاحبان قدرت) و ادیبان چینی (بعنوان گروههای منزلتی) است.

ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که بر خلاف آنکه بسیاری از جامعه شناسان معتقدند وبر قصد داشت تا دیدگاه های مارکس را زیر سؤال ببرد، اما همانگونه که برخی از جامعه شناسان معتقدند وبر دیدگاههای مارکس را کاملتر نموده است.<sup>۱</sup> و قصد رد کردن نظریات مارکس را نداشته است.

از آنجائیکه به نظر می رسد نظریات وبر، مکمل نظریه مارکس است در پژوهش حاضر تلاش بر آن است با استفاده از نظریه وبر موضوع قشربندی اجتماعی ایران را در مقاطع مورد نظر بررسی نمائیم. بدین ترتیب مبنای قشربندی در این رساله بر پایه سه محور ذیل می باشد.

۱- ساخت اقتصادی. که از مالکیت وسایل تولید [دارائی] و داشتن مهارتهای خاص ناشی می شود.

۲- ساخت سیاسی. که نمود آن در دوران مورد نظر عمدتاً صاحب منصبان دولتی (دیوانسالاران، کارمندان، امراء، لشکریان، قاضیان ...) بودند.

۳- ساخت فرهنگی. که ناشی از باورهای عمومی و مذهبی می باشد.

موضوع بعدی مورد توجه جامعه شناسان و پژوهشگران اجتماعی انواع نظامهای قشربندی است. آنان بر این باورند که چهار نوع نظام قشربندی در جوامع وجود دارد که عبارتند از.

۱- نظام بردگی. اولین نظام قشربندی اجتماعی به اعتقاد آنتونی گیدنز است. که به نظر وی «یک شکل افراطی نابرابری است که در آن بعضی افراد در واقع بعنوان دارائی در ملک دیگرانند.

۲- نظام کاستی. دومین نظام قشربندی اجتماعی از نظر آنتونی گیدنز است که به اعتقاد وی این نظام بیش از همه با فرهنگهای شبه قاره هند در ارتباط است و «وارنا» شامل چهار گروه است که هر یک بر حسب احترام اجتماعی دارای مرتبه متفاوتی است که در پایان این چهار گروهبندی «نجسها»، در موقعیتی پست تر از همه قرار دارند، افراد از حرکت بین فردی کاستها ممنوع گردیده اند. نظام کاستی بسیار پیچیده است و از نظر ساخت از یک ناحیه تا ناحیه دیگر تفاوت دارد و در واقع به هیچ وجه تشکیل یک نظام را نمی دهد بلکه مجموعه گوناگونی از

---

۱- نک. یان، کرایب.(۱۳۸۴). *نظریه اجتماعی کلاسیک*. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: آگه. چاپ دوم. ص ۱۳۷۲؛ هانری مندراس و ژرژ گورویچ.(۲۰۳۶). *مبانی جامعه شناسی*. ترجمه باقرپرهام. تهران: امیرکبیر. چاپ چهارم. صص ۲۷۷-۲۷۸؛ علی، کمال.(۱۳۷۹). *مقدمه ای بر جامعه شناسی نابرابریهای اجتماعی*. تهران: سمت. ص ۱۰۹